

"یک دانه" داستان دانه کوچکی است که تصمیم می‌گیرد تا در بیابان رشد و نمو کند و تبدیل به درخت شود درست موقعی که دانه‌های دیگر این کار را غیر ممکن می‌دانند.



داستانی ساده درباره زندگی که بچه‌ها و بزرگسالان جهان گنج آن هستند و دانه‌هایی که در کلاس‌ها و خانه‌ها کاشته می‌شوند....
(کریستین کارروترز- معلم بازنشسته انگلیسی)

این داستان کوتاه ... بتدریج شجاعت کسی که تاثیر شدید عمیق و وسیعی را دارد یادآوری می‌کند.
(ساند کملوپس، کانادا)

یک دانه‌ای که باعث ایجاد تفاوت شد



سوالاتی که می‌توان به آنها فکر کرد.

از یک دانه چی چیزی بوجود می‌آید؟

(برای مثال، به سببی فکر کنید که از درختی بوجود آمده که خود آن از یک دانه بوجود می‌آید. پیراهن نخی شما که از پنبه درست می‌شود، پنبه‌ای که از گیاه پنبه است و خود آن از یک دانه بوجود آمده است. درباره هر چیزی که از یک دانه بوجود آمده است مخصوصا اگر زمین را یک دانه بزرگ در نظر بگیرید.)

برای پرورش یک باغ به چه چیزی نیاز دارید؟

چه کارهایی را انجام دادید که فکر نمی‌کردید که بتوانید آن را انجام دهید، اما توانستید؟ (برای مثال، دوچرخه سواری)

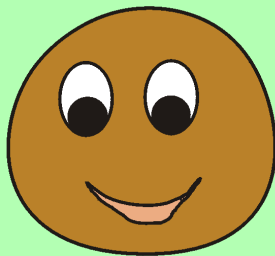
صفحه‌ای برای نقاشی شما

نمایشگاه هنری "یک دانه" بچه‌ها

تعدادی از نقاشی
بچه‌ها پس از آن که
آنها داستان یک دانه
را خواندند.



فقط يك دانه

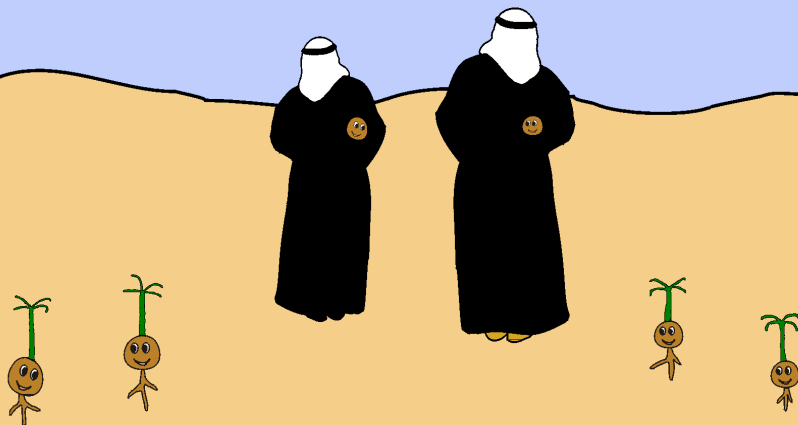


دفعه بعد که شما دنبال سایه ای برای استراحت می گردید
و درختی را پیدا می کنید و زیر سایه آن استراحت
می کنید به یاد دانه شجاعی باشید که تصمیم گرفت رشد
کند درست موقعی که دانه های دیگر می گفتند رشد کردن
غیر

ممکن و نشدنی است.



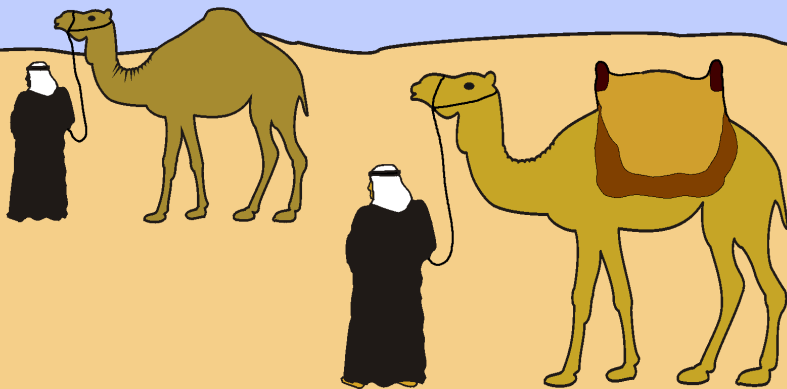
همانطور که مسافران در بیابان در حال حرکت بودند
دانه ها یکی یکی بر روی زمین می افتادند و بعد از مدتی
شروع به رشد می کردند و تبدیل به درخت می شدند.



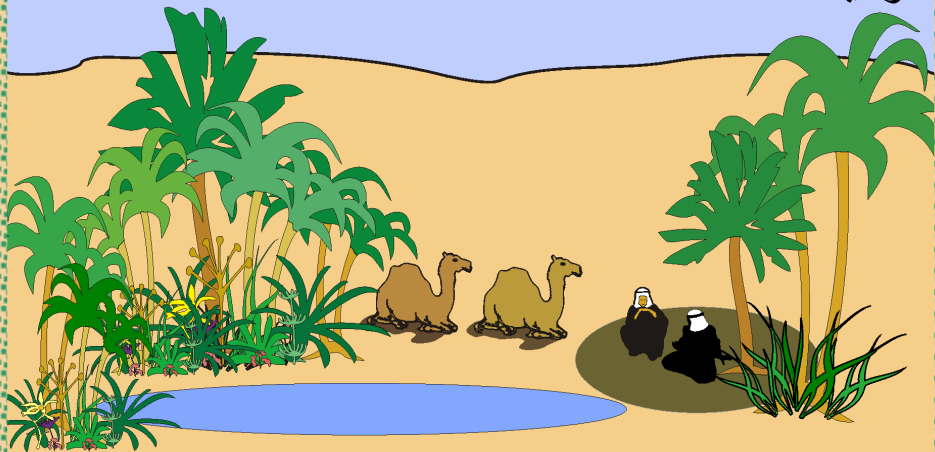
مسافران دانه‌هائي را با خود حمل مي‌کردند كه موقع
استراحت در زير درخت بزرگ بر روي آنها افتاده بود.

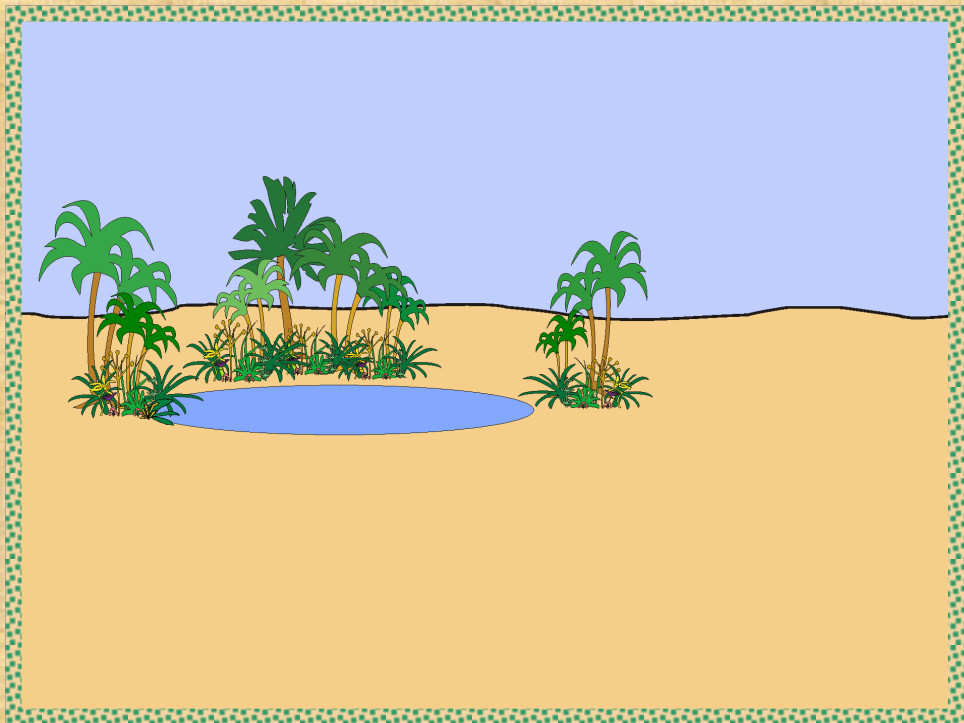


بعد از چند روز که آنها خستگی را از تن بیرون کردند
و نفس شان تازه شد، به سفر خود ادامه دادند و راه
بیابان را دوباره در پیش گرفتند.

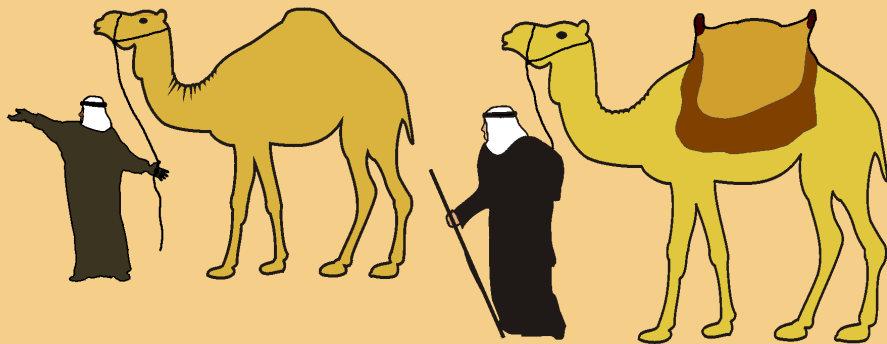


آنها شتران خود را به طرف آن برکه بردند و خودشان
زیر سایه درختان استراحت کردند و از آب تازه چشمه
نوشیدند.





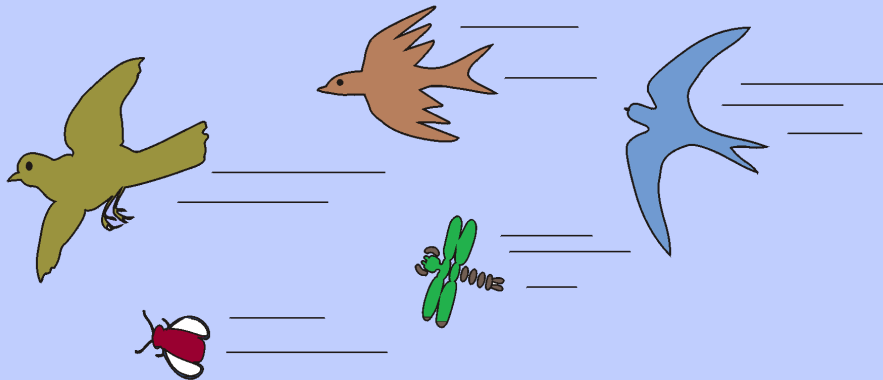
يك روز مسافران خسته كه مي خواستند از بيابان عبور
كنند متوجه اين مكان شگفت انگيز شدند.

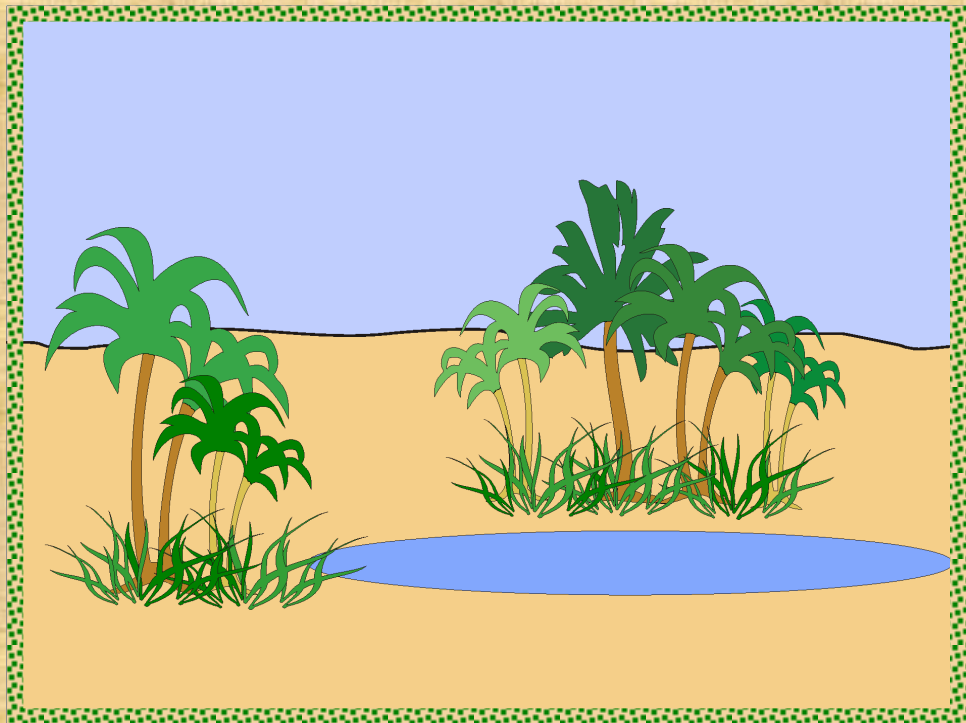


پرندگان و حشرات دانه‌هاي مختلف را نيز با خود به آنجا بردند. در آنجا دانه‌ها تبديل به گياهان و گلهاي زيبا شدند.

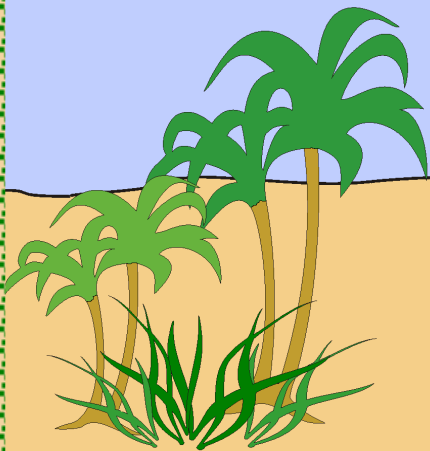


باد خبر وجود برکه جدید را به همه جا فرستاد،
پرندگان و حشرات کوچک برای دیدن این مکان شگفت
انگیز به طرف آنجا پرواز کردند تا خانه خود را در
آنجا بسازند و زندگی کنند.

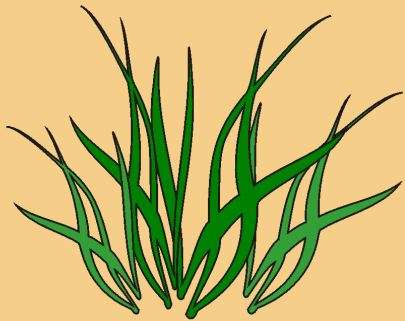




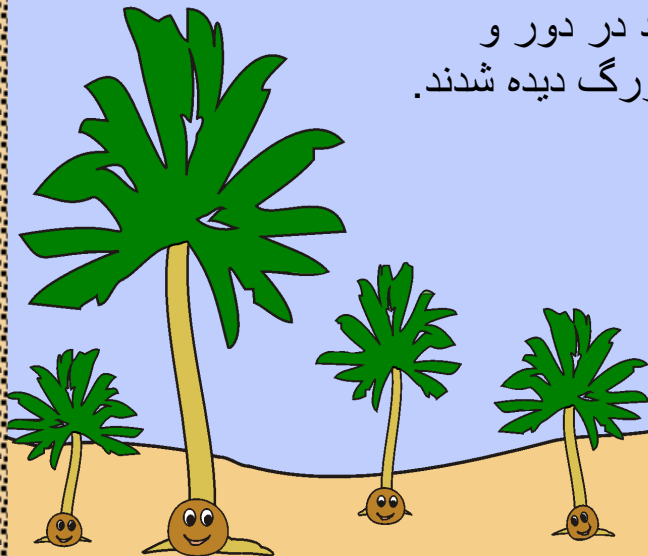
با قوي‌تر شدن و بلند تر شدن
درختان، آبهاي بيشتري به
سطح زمين روانه شد بطوري
که برکه زيبائي بوجود آمد.



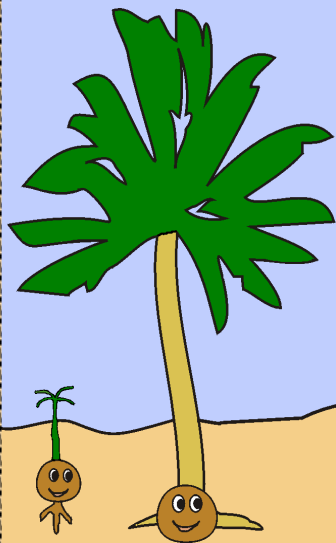
درختان براي جستجوي آب از زير زمين مجبور بودند
ریشه‌هاي عمیق‌تري داشته باشند، با اينكار آنها آبهاي
زیرزميني را به سطح بيابان آوردند، طوري كه رطوبت
کافي براي رشد علف ها فراهم شد و علفهاي زيادي
شروع به رشد کردند.



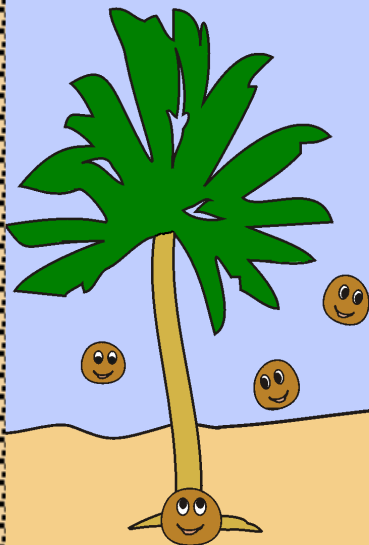
زیاد طول نکشید که تعداد زیادی
نهال در حال رشد در دور و
اطراف درخت بزرگ دیده شدند.



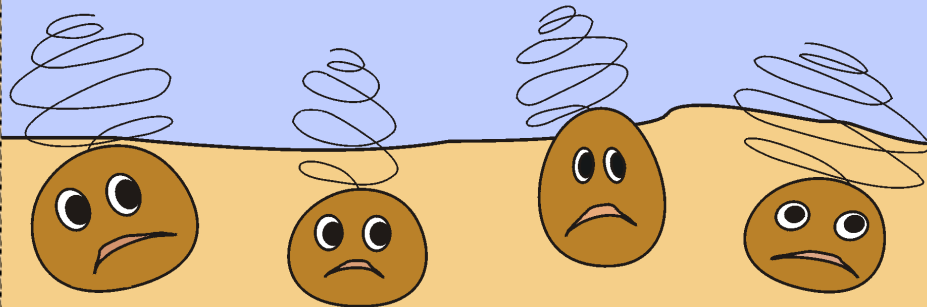
خیلی زود دانه‌های جدید پوسته
خودشان را باز کردند و شروع
به رشد کردند. آنها جوانه‌های
کوچک خود را بطرف آسمان و
ریشه خود را داخل زمین
فرستادند.



سالها گذشت و درخت، بزرگ و
بزرگتر و قوی و قویتر شد و دانه
هائی را بوجود آورد و آنها را در
سطح زمین پخش کرد.

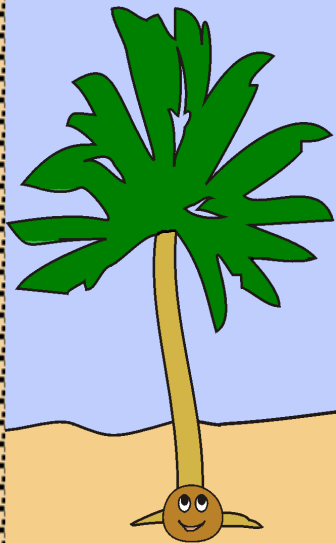


زیاد دوام نمی آوری.
منتظر می شوی و می بینی.
از بین می روی.
زیاد دوام نمی آوری.
اما دانه گفت: حتما دوام خواهم آورد فقط ببینید که
چطور من این کار را انجام می دهم.



جوانه هنوز رشد مي کرد و بلندتر و
بلندتر و بلندتر مي شد تا اينکه تبديل
به درختي شد و در شنهائي طلائي
درخشان، مقابل آسمان آبي با عظمت
ايستاد.

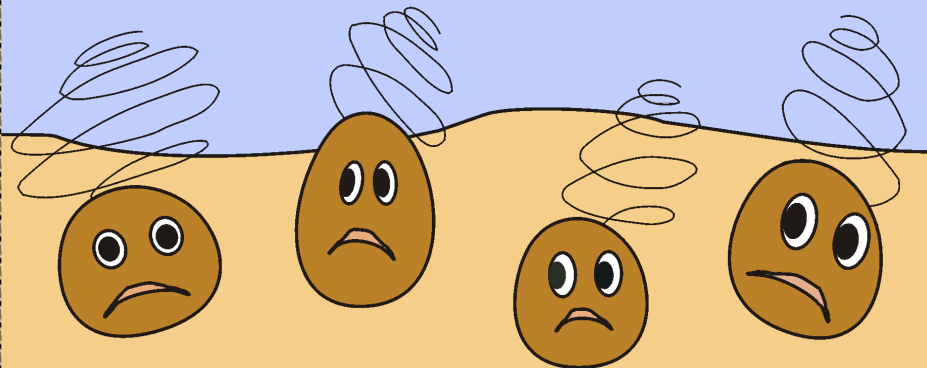
بذري ديگر متعجب شدند و
همانطور که هنوز غلت مي خوردند،
فرياد مي زدند:



نشدني است.
کسي قبله اين کار را انجام نداده است.
غير ممکن است.
نه، تو نمي تواني اينکار را انجام بدهي.
اما دانه کوچولو گفت: من مي توانم، فقط منتظر
باشيد و ببينيد که چطور من اين کار را انجام
مي دهم.



ریشه ها بیشتر و بیشتر بطرف پائین رشد کردند تا
محکمتر دانه در حال رشد را در زمین نگه دارند. هنوز
باد می وزید و ذرات شن را به اطراف غلت می داد. دانه
های دیگر فریاد زدند و همانطور که غلت می خوردند
مرتب می گفتند:



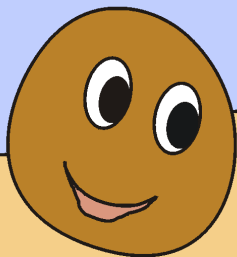
باد در حال وزیدن بود و شنها را همراه خود جابجا
مي کرد. بزودي جوانه از بالاي سطح خاک بيرون آمد.
آن جوانه سبز رنگ، سنبله هاي کوچكي را هم به همراه
داشت.



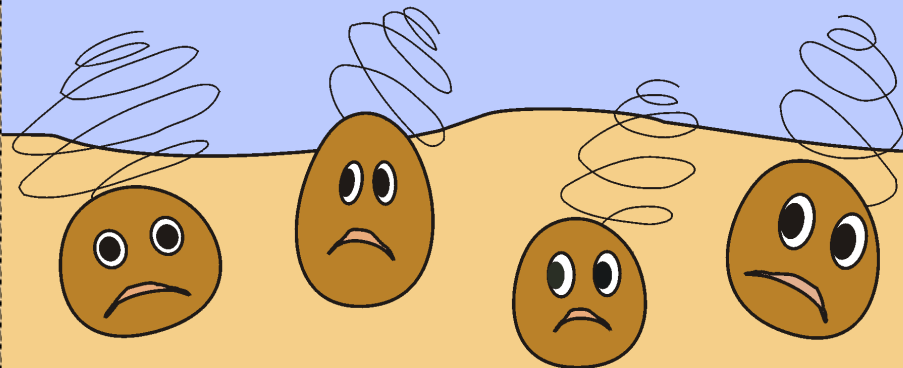
دانه بدون توجه به حرفه‌های آنها جایی را برای شروع
رشد و نمو انتخاب کرد. پوسته خود را باز کرد و
شروع به جوانه زدن کرد. جوانه کوچکش را به سطح
خاک و ریشه‌اش را به زیر خاک فرستاد.



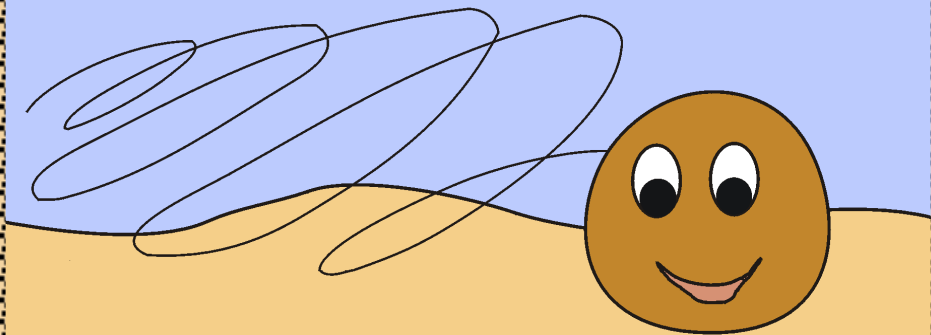
این کار نشدنی است.
کسی قبلاً این کار را انجام نداده است.
غیر ممکن است.
نه، تو نمی توانی اینکار را انجام بدهی.
اما دانه کوچولو گفت: من می توانم، فقط منتظر باشید و
ببینید که چطور من این کار را انجام می دهم.



روزي از روزها دانه به فکر افتاد تا در بيابان شروع به
رشد و نمو کند. او تصميم به کاري گرفته بود که قبلا
کسي آن را انجام نداده بود. دانه هاي ديگر که از تصميم
او با خبر شدند فرياد زدند و همانطور که مي رفتند مرتباً
مي گفتند:



در زمانهاي قديم دانه كوچكي در بيابان زندگي
مي كرد. دانه مانند دوستانش در بيابان سرگردان بود.
باد او را به همراه ذرات شن به اينطرف و به آنطرف
غلت مي داد.



اکنون این داستان درباره "یک دانه"
است. همه آماده و راحت هستند؟
پس شروع می‌کنیم.....

اجرای نمایش "یک دانه"

"یک دانه" می تواند بصورت نمایشی که بچه ها خود گوینده و بذرهای داستان می باشند، اجرا شود. بچه ها همچنین می توانند با استفاده از وسایل، کاغذهای سنباده، هنر زیلفون و کیبورد صدای پرندگان، حشرات و باد را شبیه سازی کنند. همچنین آنها می توانند با صدایشان صدای صفیر باد یا صدای مسافران خسته و کسل را ایجاد کنند. لطفا سعی کنید نمایش "یک دانه" در مدارس، عبادتگاه و مکانهای آموزشی یا در گروههای بچه ها، کلوپ ها و سازمانها در هر جای دنیا به اجرا درآید.

**تقدیم به دوستم بدوین و تمام بچه ها، تمام بزرگسالان
و مخصوصا به افراد شجاعی که می خواهند در
دنیا تغییر ایجاد کنند.**

سپاسگزاری

از فریبرز اصغری آلاشتی برای صبرشان در ترجمه، از کلیه معلمین؛ از همه کسانی که در رابطه با "یک دانه" همکاری کرده اند؛ از همه دوستان، خانواده و از پروردگار، خدا و الله و به هر نامی که آن قدرت بزرگ که خالق همه چیز است را می نامیم، صمیمانه قدردانی می شود.

"یک دانه"

تاریخچه انتشار کتاب

انتشار چاپ اول نسخه انگلیسی ، نوامبر 2002 (ISBN 0-9731568-0-5)
انتشار چاپ دوم نسخه انگلیسی به همراه CD گفتاری داستان و آهنگ در سال 2010
(ISBN 0-9731568-1-2)

انتشار همزمان نسخه الکترونیکی کتاب بصورت فایل PDF (ISBN 0-9731568-3-6)
انتشار چاپ نسخه انگلیسی به همراه ترجمه فارسی توسط فریبرز اصغری آلاشتی در مارس 2010
(ISBN 0-9731568-5-0)

انتشار همزمان نسخه الکترونیکی کتاب بصورت فایل PDF (ISBN 0-9731568-6-7)
انتشار نسخه ترجمه فارسی کتاب توسط فریبرز اصغری آلاشتی در سال 2010
(ISBN 0-9731568-2-9)

انتشار همزمان نسخه الکترونیکی کتاب بصورت فایل PDF 2010, 2016 (ISBN 0-9731568-4-3)

ISBN 0-9731568-4-3

شرکت کوئیلز کوتس و نوٹس

www.quillquotesandnotes.com www.oneseedstory.com www.oneseedpersian.com

حق چاپ برای نویسنده رزماری فیلیپس و ناشر کوئیلز کوتس و نوٹس کانادا محفوظ است
همچنین حق چاپ نسخه ترجمه فارسی برای مترجم فریبرز اصغری آلاشتی محفوظ است

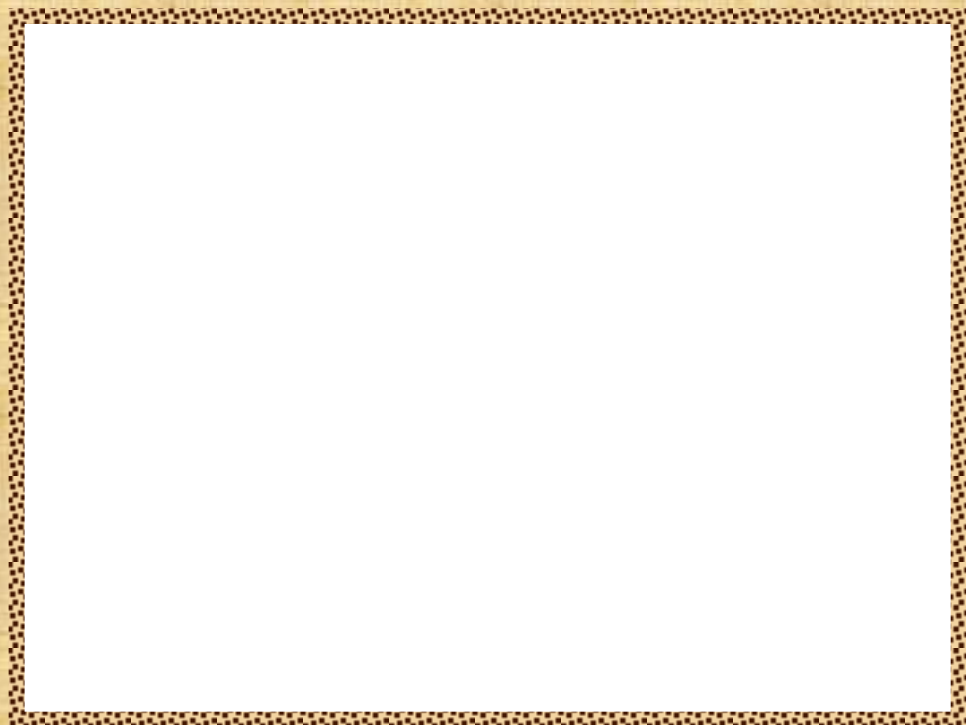
چاپ شده در کانادا



يک داکتره

نویسنده و تصویرگر: روزماری فیلیپس
مترجم: فریبرز اصغری آلاشتی

نشر کوئیلز کوتس و نوٹس - چاپ شده در کانادا





نویسنده و تصویرگر: روزماری فیلیپس
مترجم: فریبرز اصغری آلاشتی